

کدام تصویر از بشار واقعت دارد، جریان شناسی مخالفان او چه می‌گوید، سیاه و سفید اسد کدام است؟

۸۰۲

# دیکتاتور یا دشمن غرب؟



مهدی خاتمی‌زاده  
مدیرس دانشگاه

در هفته گذشته، اقداماتی از سوی مقامات ارشد دولت صورت گرفت که از مجموعه آن‌ها می‌توان عبارت «برده‌برداری رسمی از سیاست منطقه‌ای دولت چهاردهم» را برداشت کرد؛ اقداماتی در راستای اعلام و اعمال دستورالعمل‌های ویژه‌ای در حوزه سیاست خارجی که راهبرد دولت مسعود پزشکیان در ماه‌های گذشته را تبیین و در ماه‌های آینده را بریل‌گذاری می‌کند. انتشار یادداشت محمد جواد ظریف در نشریه فران‌افز، مصاحبه تلویزیونی مسعود پزشکیان و جلسه کاظم غریب‌آبادی با جمعی از اهالی رسانه در وزارت امور خارجه، مثلث رفتاری‌ای بودند که حالاً تا بلوی سیاست خارجی دولت، را شفاف‌تر از همیشه به نمایش گذاشته‌اند و زمینه‌های شکل‌گیری اقدامات دولت در ماه‌های گذشته را نیز مشخص کرده‌اند. ظریف در یادداشت خود صراحتاً به نیابت از حاکمیت - و نه دولت - به ارسال پاس‌های ضعیف در برابر دولت جدید ایالات متحده اقدام کرده و مسائلی نظیر نسل‌کشی اسرائیل در غزه را زمینه همکاری و شراکت تهران - واشنگتن معرفی کرده است. او همچنین ناباورانه و بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های نظام بین‌الملل و راهبردهای اعلامی از سوی دونالد ترامپ و تیمش، خواستار «شروع جدید» میان دو کشور شده که می‌تواند منجر به صلح شود، یعنی ایران و ایالات متحده می‌توانند با امضای دو جانبه، جنگ در منطقه غرب آسیا را به پایان برسانند. مکمل و مؤید مطالب مطرح‌شده در این یادداشت، سخنان صادقانه پزشکیان در مصاحبه تلویزیونی اخیر بود؛ جایی که رئیس‌جمهور صراحتاً از باور خود به «امکان رفع تحریم از طریق گفت‌وگو با اروپایی‌ها» سخن گفت و «سیاست‌های منطقه‌ای ایران» را «مزموم و برهم‌زننده» این مسیر عنوان کرد. اگرچه این تقد فنی به نگاه مسعود پزشکیان وارد است که اساساً نگاه مبتنی بر واقعیت بر نگاه او به راهبرد کشورهای اروپایی وجود ندارد و در شرایطی که فرانسه و آلمان با سخت‌ترین شرایط سیاسی و اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند و دولت جدید آمریکا هم تمایلی به همکاری فراتر از تنگنای ندارد، امکان پذیر بودن رفع تحریم‌ها از طریق مذاکره با اروپا بیشتر به شوخی شبیه است تا باور سیاسی، اما حتی با پیش فرض گرفتن این باور به عنوان یک واقعیت میدانی هم گرویدن مسئله هسته‌ای و مذاکرات مرتبط با آن به راهبردهای منطقه‌ای ایران، عجیب و غیرقابل باور به نظر می‌رسد.

این مسئله زمانی رنگ و بوی جدی‌تری به خود می‌گیرد که به صحبت‌های غریب‌آبادی در وزارت خارجه مراجعه و روایت او از لزوم تعیین تکلیف با دولت جدید آمریکا، را مرور کنیم؛ جایی که وی با اشاره به حضور معاون سیاسی وزیر امور خارجه در اسلو و ژنو، اروپا را همراه با ایران در احساس نگرانی نسبت به سیاست‌های دونالد ترامپ در ماه‌های آینده معرفی می‌کند. این سه‌گانه، یک معنای مشخص در حوزه سیاست خارجی دارد؛ دولت چهاردهم، راهبردهای منطقه‌ای کشورمان را «برگه‌ای برای استفاده در حوزه‌های دیگر می‌داند، یعنی حمایت ایران از تأسیس و تثبیت شبکه مقاومت می‌تواند یکی از موضوعات مورد مذاکره با طرف‌های غربی برای پیشبرد اهداف در حوزه‌هایی مانند هسته‌ای باشد. شاید بتوان شفاف این‌گونه نتیجه گرفت که با توجه به قطعی بودن فعال کردن مکانیسم ماشه از سوی تریک‌تای اروپایی در مهر سال آینده اکتبر ۲۰۲۵ میلادی، ساکنان پاستور امتیازهای هسته‌ای را در مسیر تعامل با طرف غربی کافی نمی‌دانند و با خاتمه یافته دانستن پروژه برجام، «سراغ اجرائی پروژه برجام ۲» رفته‌اند. این موضوع که ناشی از عدم فهم صحیح تحولات بین‌المللی در دوران گذار است، دقیقاً همان جایی است که نگرانی جدی برای امنیت ملی ایران به دنبال دارد. رویدادهای کنونی در منطقه غرب آسیا را باید در چهارچوب یک تلاش صد و اندی ساله از سوی طرف غربی برای ایجاد یک نظم امنیتی در این منطقه فهم کرد؛ اقداماتی که از ۱۹۱۷ میلادی ایام منتهی به فروپاشی امپراتوری عثمانی با مضامین توافق «سایکس-پیکو» آغاز شد، با تحولات جنگ جهانی دوم و تأسیس اسرائیل ادامه پیدا کرد، به‌دگربری‌های لبنان در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ میلادی رسید، جنگ سوریه را رقم زد و نهایتاً با ناکام ماندن طرح ابراهیم توسط عملیات طوفان الاقصی، حلاله مرحله حساس و تعیین‌کننده‌ای در تحولات مرتبط با کشور سوریه و عراق رسیده است. در چنین شرایطی که به تعبیر رهبر انقلاب، شرایط مرگ و زندگی هم‌پای شبکه مقاومت و هم‌پای طرف غربی وجود دارد، «کارت بازی» دیدن راهبردهای منطقه‌ای ایران در حکم یک ساده‌انگاری تاریخی است که می‌تواند زمینه‌ساز آسیب دیدن منافع ملی کشورمان باشد. همانطور که عدم درک درست تحولات منتهی به جنگ جهانی دوم و استفاده از تحلیل‌های «شبک‌ویلی غیرواقعی» در آن سال‌ها زمینه‌ساز اشغال ایران شد و شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی را رقم زد، در شرایط کنونی هم شعارهای زیبا ولی توخالی مانند «پرهیز از جنگ و پایبندی به بی‌طرفی» می‌تواند خطر جدی‌تری را در پی داشته باشد و منافع ملی کشورمان کند.

منطقه غرب آسیا در دوران گذار نظام بین‌الملل، آبستن جنگ‌های فراوان دو جانبه و چند جانبه است و هر واحد سیاسی که این مسئله را به‌درستی درک نکند، آسیب خواهد دید. این همان راهبردی است که کشورهایمانند ترکیه و امارات متحده عربی در حال پیاده‌سازی آنند و به دنبال ارتقای قدرت و افزایش عمق راهبردی خود با استفاده از فضای موجود در شرایط کنونی دوران گذارند. بر همین اساس به نظر می‌رسد دولت چهاردهم نیاز به بازنگری کلی در راهبردهای خارجی خود، چه در حوزه منطقه و چه در نگاه به تعاملات جهانی، دارد؛ چراکه ادامه نگاه مثلی شرح داده شده در این یادداشت، تهران را در طوفان حوادث بین‌المللی بی‌دفاع خواهد گذاشت و زمینه را برای آسیب دیدن منافع ملی فراهم می‌کند.

یک یادداشت، یک مصاحبه و زنگ خطر برای امنیت ملی



از نظر غربی‌ها مهم نیست دموکرات باشید یا نه باید دشمن اسرائیل نباشید

## چرا عربستان سعودی شد اما سوریه اسدی نشد

وزیر علوم گاف بزرگ زیرمجموعه‌اش درباره تعداد دانشجویان اخراجی را اصلاح کرد

## ۳۰۰ غلط است ۲ درست است!

«فرهنگستان» براساس داده‌های تفصیلی دیوان محاسبات بررسی کرد

### جزئیاتی تفصیلی از ۵۵۶ همت معافیت مالیاتی

تجربه دنیا می‌گوید مدیریت فقط فیلترینگ نیست

### پیچیدگی‌های حکمرانی در فضای مجازی

۱۵۱۴

### غریت مخاطب ایرانی

روایت سریال «غریت» چقدر به جامعه ایرانی ربط دارد؟